

میکداده حضرت محمد رسول الله و امام جعفر صادق (ع) مباحث



آنچه در این شماره می خوانیم:

- ۳..... کلام امام خمینی (ره)؛ درباره وحدت و برادری بین شیعه و سنی به مناسبت هفته وحدت.....
- ۴..... بیانات مقام معظم رهبری؛ پیرامون ولادت امام جعفر صادق (ع).....
- گفتاری از مدیر مسئول: آخرین سپیده پیش از غیبت؛ تدابیر امام حسن عسکری (ع) در هدایت جامعه شیعه.....
- ۵..... (بخش دوم و پایانی).....
- وحدت و تعامل بین ادیان از منظر رسول خدا (ص)، به بهانه هزار و پانصدمین سالروز تولد پیامبر رحمت.....
- ۹..... حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا برته؛ استاد حوزه و دانشگاه.....
- ۱۱..... تعامل پیامبر اسلام (ص) با پیروان ادیان دیگر؛ دکتر مرتضی صانعی: استاد حوزه و دانشگاه.....
- ۱۳..... معراج پیامبر در نسخ خطی واتیکان؛ مقاله ای از پروفسور پیه مونتره؛ محقق و ایرانشناس ایتالیایی (بخش سوم).....
- ۱۷..... معرفی کتابخانه آمبروزیانای شهر میلان به بهانه بازدید سفیر جمهوری اسلامی ایران در واتیکان.....
- ۲۲..... نمادهای مسیحی- (۱۷): لنگر.....
- ۲۵..... حدیث هفته.....
- ۲۶..... واتیکان در هفته ای که گذشت.....



جوار | هفته نامه سفارت ج.ا.ا در واتیکان
سال دوم | شماره ۸۳ | ۱۴ شهریور ۱۴۰۴



پیام سفیر
کلیک کنید





جِوَار

هفته‌نامه سفارت ج.ا.ا. در واتیکان

سال دوم | شماره ۸۳ | جمعه ۱۴ شهریور ۱۴۰۴ | 5 september 2025



صاحب امتیاز: سفارت ج.ا.ا. ایران در واتیکان

مدیر مسئول: دکتر محمدحسین مختاری

سر دبیر: حسن نیازی

تهیه شده در: بخش فرهنگی

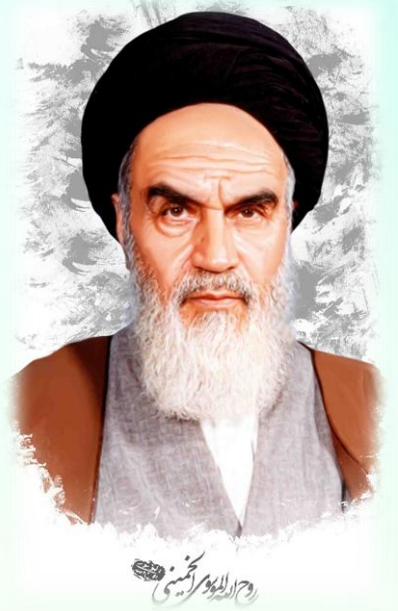
آدرس: Via Bruxelles ,۵۷ ,۰۰۱۹۸

تلفن: +۳۹۰۶۸۵۵۲۴۹۴

پست الکترونیکی: vat.media@mfa.gov.ir

وب سایت: <https://vatican.mfa.gov.ir/portal>

شبکه ایکس: IRANtotheHolySee@IRANinVATICAN



کلام امام خمینی (ره) درباره وحدت و برادری بین شیعه و سنی به مناسبت هفته وحدت

وحدت از نگاه امام

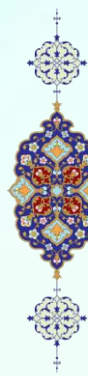
کسانی که مسئولیتشان خیلی زیاد است دولت های اسلامی است؛ رؤسای جمهور اسلام، سلاطین اسلام، اینها مسئولیتشان خیلی زیاد است و شاید بیشتر از همه طبقات باشد. اسلام الآن به دست این طبقه، به حسب اراده خدای تبارک و تعالی تکویناً سپرده شده است و آنها مسئولند بر حفظ اسلام و حفظ وحدت کلمه اسلام و حفظ احکام اسلام و معرفی کردن اسلام را به دنیای متمدن که گمان نشود اسلام مثل مسیحیت هست، فقط یک رابطه معنوی ما بین افراد و خدای تبارک و تعالی است و بس.

اسلام برنامه زندگی دارد؛ اسلام برنامه حکومت دارد؛ اسلام قریب پانصد سال تقریباً یا بیشتر حکومت کرده است؛ سلطنت کرده است؛ با اینکه احکام اسلام در آن وقت باز آن طور اجرا نشده است که باید اجرا بشود لکن همان نیمه اجرا شده اش ممالک بزرگی را، وسیعی را، اداره کرده است با عزت و شوکت از همه جهات، از همه کیفیات. اسلام مثل سایر ادیانی که حالا در دست است.

شاید آنها هم در وقت خودش این طور بوده اند لکن سایر ادیانی که حالا در دست است، خصوصاً مسیحیت که هیچ ندارد جز چند کلمه اخلاقی و راجع به تدبیر مَدَن و راجع به سیاست مَدَن و راجع به کشورها و راجع به اداره کشورها برنامه ندارد گمان نشود که اسلام هم مثل آنها برنامه ندارد. اسلام از قبل از تولد انسان شالوده حیات فردی را ریخته است تا آن وقت که در عائله زندگی می کند، شالوده اجتماع عائله ای را ریخته است و تکلیف معین فرموده است تا آن وقت که در تعلیم وارد می شود، تا آن وقت که در اجتماع وارد می شود، تا آن وقت که روابطش با سایر ممالک و سایر دُول و سایر ملل هست.

تمام اینها برنامه دارد، تمام اینها تکلیف دارد در شرع مطهر. این طور نیست که فقط دعا و زیارت است؛ فقط نماز و دعا و زیارت احکام اسلام نیست؛ این یک باب از احکام اسلام است. دعا و زیارت یک باب از ابواب اسلام است لکن سیاست دارد اسلام؛ اداره مملکتی دارد اسلام؛ ممالک بزرگ را اداره می کند اسلام. بر رؤسای جمهور اسلام، بر سلاطین اسلام، بر دُول اسلامی است که اسلام را معرفی کنند.

(صحیفه امام؛ ج ۲، ص ۳۰-۳۱)



بیانات مقام معظم رهبری پیرامون شخصیت امام جعفر صادق (ع)

ساخته‌ی دست دشمنان اسلام و عنادها و کینه‌ورزی‌ها برداشته شود؛ بیایند و در عرصه‌ی معارف اهل بیت، بشنوند و ببینند. امروز بیشتر از گذشته دشمنان این دیوار را، این حائل را و این ابزارها و آلات خصومت و کینه‌ورزی را تقویت می‌کنند و سعی می‌کنند برادران مسلمان را از هم جدا کنند.

امریکا و صهیونیستها و مستکبران عالم، نه به شیعه علاقمندند و نه به اهل سنت؛ با هر دو دشمنند؛ آنجایی که مسلمان با نام خدا و با ایمان اسلامی در مقابل زورگویی آنها می‌ایستد، دشمنی می‌کنند. شما ببینید در لبنان با حزب الله شیعه همانقدر دشمنند که در فلسطین با حماس و جهاد سنی؛ در ایران زمان طاغوت با دستگاه سلطنت وابسته‌ی مزدور فاسد پهلوی که اسماً شیعه بود همانقدر همراه بودند که با اشباه و نظائر او در کشورهای که اسمشان سنی بود! آنها با اسلامی که در مقابل زور بایستد، در مقابل استکبار بایستد، در مقابل غارت منابع طبیعی ملت‌ها بایستد و حق خود را مطالبه کند، مخالفند؛ برای آنها شیعه و سنی معنا ندارد؛ منت‌ها برای این که امت اسلام قدرت نگیرد و نتواند حرف قاطعی بزند، سیاستشان این است که در بین برادران مسلمان، در بین شیعه و سنی، در بین فرقه‌های خود شیعه و در بین فرقه‌های خود اهل تسنن اختلاف بیندازند. کار آنها اختلاف افکنی است؛

جعفر بن محمد الصادق (علیه الصّلاه و السّلام) این امام بزرگوار در دوران زندگی، بیش از دیگر امامان فرصت پیدا کردند که معارف اهل بیت را یعنی معارف اسلام ناب را به دل‌های مشتاق و تشنه‌لبان برسانند اشتباه است اگر کسی خیال کند همه‌ی آن هزاران نفری که از امام صادق درس آموختند، شیعیان و معتقدان به امامت آن بزرگوار بودند؛ نه، بسیاری بودند که به امامت امام صادق آنچنانی که شیعه معتقد است معتقد نبودند؛ اما از دانش امام صادق و از معارف اسلامی که در اختیار آن بزرگوار بود استفاده می‌کردند.

در روایات ما بسیار است روایاتی که راویان آنها از اهل سنتند از غیر شیعه هستند اما از حضرت ابی عبدالله الصادق نقل می‌کنند و روایت می‌کنند. معنای این حرف این است که امروز هم دنیای اسلام و امت اسلامی نیازمند معارف امام صادق و اهل بیت است. دنیای اسلام محتاج دانستن معارف اهل بیت و تعالیم امام صادق و سایر ائمه است؛ باید استفاده کنند. قشرهای مختلف و اقسام مختلف امت اسلامی، به این وسیله باید با یکدیگر هم‌افزایی کنند تا سطح معارف اسلامی بالا برود. لازمه‌ی این کار این است که حجاب خصومت و دشمنی و کینه‌ورزی میان فرقه‌های مسلمان فاصله نیندازد؛ وحدت اسلامی که می‌گوییم یعنی این.

در هفته‌ی وحدت دعوت جمهوری اسلامی به این نیست که شیعیان یا سنیان از مذهب خود دست بکشند و به آن مذهب دیگر رو بیاورند؛ دعوت جمهوری اسلامی این است که مشترکات میان مذاهب اسلامی برجسته شود و دیوارهای



گفتاری از مدیر مسئول:

آخرین سپیده پیش از غیبت؛ تدابیر امام حسن عسکری (ع)
در هدایت جامعه شیعه (بخش دوم و پایانی)



۳. تأکید بر مرجعیت معرفتی و اخلاقی

تأکید امام عسکری (ع) بر مرجعیت معرفتی و اخلاقی به تدریج تبدیل شد به نظام اجتهاد و مرجعیت تقلید در دوره غیبت کبری.

بیان امام عسکری (ع) در روایت معروف: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مُوَلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يَقْلُدُوهُ.» چهار ویژگی برای فقیه ذکر می‌کند:

امام عسکری (ع) با نگارش تفسیر قرآن و صدور نامه‌ها و تعالیم فقهی، کلامی، میراثی بر جای گذاشتند که در دوران غیبت چراغ راه شیعیان باشد. ایشان معیارهایی برای شناخت حق از باطل ارائه کردند. از جمله در حدیثی معروف فرمودند:

«شیعیان ما کسانی‌اند که عفت، صداقت و امانت‌داری‌شان شناخته می‌شود.» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۳۳). با این رویکرد، امام به جامعه آموختند که در دوران غیبت، ملاک حقانیت افراد صرف ادعا نیست، بلکه پابندی به ارزش‌های اخلاقی و معرفتی است.

صیانت نفس (پرهیز از گناه و دنیاطلبی)

حفظ دین (پاسداری از مرزهای اعتقادی و احکام)

مخالفت با هوا (آزاد بودن از خواسته‌های نفسانی)

اطاعت از مولی (تسلیم در برابر خدا و حجت الهی)

همین روایت، اساس نظری مرجعیت فقهی در دوران غیبت شد.

در مرحله غیبت صغری (۲۶۰ تا ۳۲۹ ق) شیعیان هنوز با امام زمان (عج) از طریق نواب خاص در تماس بودند (عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح، علی بن محمد سمری) ولی حتی در همین دوره، مراجعه به فقیهان و راویان حدیث در مناطق مختلف رواج داشت.

فقه‌ها مسائل جزئی و روزمره را پاسخ می‌دادند و مسائل مهم‌تر به نواب خاص منتقل می‌شد. این یعنی تمرین عملی رجوع به فقه‌ها آغاز شده بود.

وقتی ارتباط مستقیم با امام (عج) قطع شد، جامعه شیعه نیاز داشت که مرجعیت دینی و اجتماعی داشته باشد.

فقه‌ها و محدثان بزرگ مثل شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید در این زمان مرجع فکری شیعه شدند. آن‌ها هم بر اساس روایت امام عسکری (ع) و امام صادق (ع) استدلال می‌کردند که رجوع به فقیه واجب است.



توقیع شریف امام زمان (عج) نیز این مسیر را تأیید کرد: «وَأَمَّا الْوُاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثًا، فَإِنَّهُمْ حَجَّتِي عَلَيْكُمْ، وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ» یعنی: در روایدهای جدید به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا هستم.

در آغاز، نقل حدیث و فهم مستقیم روایات کافی بود. اما با پیچیده‌تر شدن زندگی اجتماعی و فقهی، نیاز به استنباط اجتهادی از منابع (قرآن، سنت، عقل، اجماع) به وجود آمد. فقیهان بزرگ مانند شیخ طوسی، علم اصول و روش اجتهادی را توسعه دادند تا پاسخ‌گوی نیازهای زمانه باشند. این روند، پایه‌گذار نظام اجتهاد در فقه شیعه شد. به تدریج جامعه شیعه پذیرفت که هر فرد غیرمتخصص، باید در احکام شرعی به فقیه جامع‌الشرایط رجوع کند. این اصل در فقه شیعه به نام تقلید شکل گرفت. در طول تاریخ، بزرگان شیعه این نظام را تبیین و تحکیم کردند.

۴. ایجاد فرهنگ انتظار و امید

امام عسکری (ع) با بیان روایات درباره امام مهدی (عج)، شیعیان را به آینده‌ای روشن نوید دادند و بدین وسیله امید و پایداری را در جامعه تقویت کردند (صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۹). این فرهنگ، هویت جمعی شیعه را در برابر فشارهای عباسی حفظ کرد. شیعیان در زمان امام عسکری (ع) زیر شدیدترین فشار سیاسی عباسیان بودند. حصر خانگی امام، دستگیری و شکنجه یارانش، و مراقبت شدید از تولد فرزندش، فضایی پر از خفقان و ناامیدی برای شیعیان ایجاد کرده بود. در چنین شرایطی، اگر شیعه فقط به واقعیت‌های تلخ زمانه می‌نگریست، روحیه‌اش از بین می‌رفت. بنابراین امام باید امید به آینده و ایمان به تحقق وعده الهی را در دل شیعیان زنده می‌کرد. این همان فرهنگ انتظار است.

ماهیت فرهنگ انتظار در نگاه امام عسکری (ع)

الف) باور به حضور امام غایب

امام عسکری (ع) بارها به خواص شیعه نشان داد که فرزندش مهدی (عج) وجود دارد، هرچند باید در پرده غیبت باشد. این یعنی: امام همیشه زنده و حاضر است، حتی اگر دیده نشود. برای شیعه، این باور یک منبع آرامش شد؛ چراکه یقین داشتند زمین هیچ‌گاه بدون حجت خدا نمی‌ماند.

ب) انتظار = امید فعال

انتظار در فرهنگ امام عسکری (ع) صرفاً نشستن و دست روی دست گذاشتن نبود. امام و وکلا شیعیان را به حفظ دینداری، تقوا، و صبر در برابر سختی‌ها دعوت می‌کردند. یعنی انتظار یک نوع تحمل آگاهانه سختی‌ها به امید آینده بهتر بود.

ج) امید به عدالت نهایی

امام عسکری (ع) یادآور می‌شد که آینده تاریخ در دست خداست و روزی خواهد رسید که فرزندش با قیام جهانی، ظلم را ریشه‌کن خواهد کرد. این باور در دل شیعه، قدرت می‌داد تا در برابر ستمگران کوتاه نیایند. امید به عدالت نهایی، آنان را از ناامیدی و تسلیم در برابر عباسیان باز می‌داشت.



د) ثمرات فرهنگی انتظار و امید

شیعیان با این فرهنگ، دیگر خود را شکست‌خورده نمی‌دیدند؛ بلکه خود را حاملان یک وعده الهی می‌دانستند.

یکی از آثار انتظار پویایی معنوی است. چون انتظار بدون تقوا بی‌معناست، شیعیان به پاکی، دعا، زیارت و ارتباط معنوی عمیق با امام زمان (عج) تشویق می‌شدند. هویت جمعی شیعه نیز از ثمرات مهم انتظار و امید محسوب می‌گردد. اساساً فرهنگ انتظار یک هویت مشترک برای شیعیان ساخت که ما در دوران صبر و امتحانیم، امامان حاضر است هرچند در غیبت و آینده از آن حق است.

بنابراین در مکتب امام عسکری (ع)، فرهنگ انتظار و امید چنین معنا می‌یابد:

ایمان به حضور زنده و غایب امام = قطع نشدن رابطه شیعه با هدایت الهی.

امید به آینده عادلانه = مقاومت در برابر یأس اجتماعی و سیاسی.

انتظار فعال = حفظ تقوا، دینداری و تلاش در زندگی روزمره با چشم به آینده‌ای روشن.

نتیجه‌گیری

در نتیجه می‌توان به اختصار گفت امام حسن عسکری (ع) در کوتاه‌ترین دوران امامت، نقشی بزرگ ایفا کرد: ایشان با تقویت سازمان وکالت، آموزش پذیرش غیبت، مرجعیت علمی و ایجاد فرهنگ انتظار، شیعه را از مرحله‌ی «امامت آشکار» به «امامت پنهان» منتقل کرد. این اقدامات، جامعه‌ای که می‌توانست در برابر فشارهای سیاسی از هم بپاشد را به یک جریان تاریخی پایدار بدل ساخت.

در جهان معاصر، تدابیر امام عسکری (ع) می‌تواند برای جوامعی که با بحران رهبری، فشار سیاسی یا گسست اجتماعی مواجه‌اند، الهام‌بخش باشد. الگویی که ایشان ارائه کردند، بر پایه‌ی شبکه‌سازی، اعتمادسازی، هدایت فکری، و امید به آینده استوار است؛ عناصری که همچنان برای پویایی هر جامعه‌ای ضروری‌اند.



به همین دلیل است که گفته می‌شود: انتظار در شیعه یک انرژی اجتماعی و معنوی است؛ نه فقط یک حالت روحی منفعل.

بازتاب و اهمیت در جهان معاصر

تحلیل تدابیر امام عسکری (ع) نشان می‌دهد که اقدامات ایشان صرفاً راهکارهای تاریخی نبودند، بلکه می‌توانند برای امروز نیز آموزنده باشند:

مدیریت بحران: در شرایط سرکوب سیاسی، با شبکه‌سازی و اعتمادسازی می‌توان بقای اجتماعی را تضمین کرد.

الگوی ارتباط غیرمستقیم: بهره‌گیری از وکالت در گذشته را می‌توان با ارتباطات غیرحضوری در عصر دیجیتال مقایسه کرد.

مرجعیت فکری در غیبت رهبری: تأکید بر معیارهای اخلاقی و معرفتی، الگویی برای دوران فقدان رهبری مستقیم است.

امید و پویایی اجتماعی: فرهنگ انتظار می‌تواند در جوامع امروز به‌عنوان عاملی برای مقاومت و تحول اجتماعی الهام‌بخش باشد و همچنین می‌تواند الگویی برای ملت‌هایی باشد که در شرایط دشوار به دنبال چشم انداز روشن فردا هستند.

پیام امام حسن عسکری (ع)

وحدت و تعامل بین ادیان از منظر رسول خدا (ص)، به بهانه هزار و

پانصدمین سالروز تولد پیامبر رحمت

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا برته؛ استاد حوزه و دانشگاه

یعقوب به فرزندانش وصیت کرد که: «خداوند این دین را برای شما برگزیده است پس جز در حال تسلیم (دربرابر حق) نمیرید».

بدین ترتیب، همه پیامبران مردم را به پیام واحد هدایت دعوت کرده‌اند و اختلاف آنان صرفاً در شریعت و احکام بوده است، نه در اصول دیانت و معنویت و اخلاق؛ چنان‌که قرآن ضمن تصریح بر واحد بودن اصل دین، تفاوت در احکام فرعی را می‌پذیرد و می‌فرماید: «لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ...» حج، ۶۷؛ برای هر امتی آیین و طریقه‌ای قرار دادیم». اما این اختلافات تشریعی، خللی در حقیقت و جوهر مشترک دین الهی وارد نکرده و همه پیامبران بر محور توحید و ارزش‌های اخلاقی یکسانی تأکید داشته‌اند.

در حدیث نبوی نیز آمده است که: «الأنبياء إخوة لعلات، أمهاتهم شتى ودينهم واحد؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۶، ح ۱۱؛ پیامبران همچون برادرانی با مادرانی گوناگون‌اند اما دینشان یکی است؛ یعنی همگی بر پیام یکتاپرستی و خدامحوری اتفاق نظر داشته‌اند.

از منظر پیامبر اسلام، ادیان، حلقه‌های یک زنجیره الهی‌اند که در طول تاریخ، پیوسته و هماهنگ بشر را به سوی خدا رهنمون شده‌اند. اسلام خود را ادامه‌ی راه انبیاء پیشین می‌داند و قرآن تصریح می‌کند که مسلمانان حقیقی به تمامی پیامبران و کتاب‌های آسمانی گذشته ایمان دارند. چنان‌که در وصف پرهیزگاران آمده است: «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ...» بقره، ۴؛ آنان به آنچه به سوی تو (ای پیامبر) نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان می‌آورند». از این رو، ایمان یک مسلمان در گرو باور داشتن به تورات و انجیل نازل شده نیز هست.



در جهان‌بینی حضرت محمد صلی‌الله علیه و آله، همه عالم در همه تاریخ یک خدا بیشتر نداشته و آن یک خدا نیز یک حرف بیشتر ندارد که در طول زمان به واسطه فرستادگانش برای مردم بیان کرده و با آنها از روی محبت، کرامت و حکمت، سخن گفته است. قرآن کریم که از این سخن واحد الهی با عنوان دین اسلام به معنای فروتنی دربرابر حق تعبیر می‌کند، معتقد است که همه انبیاء بشر را به همان دین واحد فراخوانده‌اند.

اینکه پیروان محمد، برخلاف پیشینیان، دین او را به نام شخصش نخوانده‌اند، استعاره جالبی از این حقیقت است که محمد(ص)، خود و دینش را رقیب و یکی در عرض سایر ادیان نمی‌داند و وحدت روح توحیدی در همه ادیان را در اندیشه و عمل باور داشته است. همچنان‌که قرآن می‌فرماید:

«مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ آل عمران، ۶۷. ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه خدایپرستی حق جو و مسلمان بود.»

همچنین: «وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُّسْلِمُونَ؛ بقره، ۱۳۲-۱۳۳

پیامبر اسلام نه تنها پیامبران پیشین مانند ابراهیم، موسی و عیسی (علیهم السلام) را تأیید و تکریم کرد، بلکه خود را مبعوث همان خدای یگانه‌ای می‌دانست که آنها را فرستاده بود. قرآن کریم همه انبیاء اولوالعزم را در اصول دین هم‌سو معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ؛ شُورَى، ۱۳؛ خداوند به نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد (ص) سفارش کرد که دین را برپا دارند و در آن تفرقه روا ندارند». این تسلسل تاریخی گواه بر وحدت بنیادی ادیان الهی است.

هر نبی جدیدی مؤید پیام نبی پیشین بوده و کتاب او تصدیق‌کننده کتاب‌های قبل از خود؛ بدین ترتیب، اگر انسان‌ها را در جاده‌ای طولانی و تاریک تصور کنیم، تمامی ادیان آسمانی همچون چراغ‌ها و مشعل‌های روشنی بوده‌اند که پشت در پشت، مسیر واحدی را روشن نگاه داشته‌اند تا آدمی به سلامت و در امنیت و با شادکامی مسیر سعادت را طی کند.

محور مشترک همه ادیان الهی خدامحوری و یکتاپرستی است. پیامبر اکرم (ص) همواره بر پرستش خدای واحد به عنوان نقطه‌ی وفاق همه‌ی امت‌ها تأکید می‌کرد.

قرآن مجید خطاب به پیامبر می‌فرماید که به اهل کتاب اعلام کند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ...؛ آل عمران، ۶۴؛ بیایید بر سر سخنی مشترک بین ما و شما که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم... توافق کنیم».

این دعوت به کلمه سواء (سخن مشترک)، نشان‌دهنده‌ی رویکرد وحدت‌گرای اسلام است که بر اشتراکات بنیادی تکیه می‌کند.

قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد با پیروان دیگر کتاب‌های آسمانی به شیوه‌ای نیکو گفتگو کنند و در مناظرات، زبان ملایمت و استدلال احسن را به کار گیرند و تأکید کنند که: «وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمُ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ؛ عنکبوت، ۴۶؛ ما به آنچه بر ما نازل شده و بر شما نازل شده ایمان داریم؛ خدای ما و خدای شما یکی است و ما در برابر او تسلیم‌ایم». رویکرد رسول خدا (ص) در عمل نیز به استحکام بیانش، تعامل جویانه و وحدت‌آفرین بود چه اینکه پس از مهاجرت به مدینه، پیامبر (ص) با گروه‌های مختلف مذهبی پیمان همزیستی بست. منشور تاریخی مدینه که بین مسلمانان و یهودیان منعقد شد، نمونه‌ای از تأکید آن حضرت بر همبستگی اجتماعی با حفظ تنوع دینی بود.

همچنین درباره‌ی مسیحیان نجران نیز عهدنامه‌ای بسیار مترقی تنظیم کرد که به موجب آن مسیحیان می‌توانستند تحت حکومت اسلامی از آزادی کامل دینی و مدنی برخوردار باشند. در این عهدنامه که امام علی (ع) کاتب آن بود و پیامبر آن را مهر کرد بر حفظ جان، مال، عبادتگاه‌ها و آزادی مذهبی مسیحیان تأکید شده بود و هرگونه تعدی به حقوق آنان ممنوع گشت. در منابع روایی اهل سنت آمده است که پیامبر فرمود: هرکس به یک غیرمسلمان تحت حمایت اسلام آزار رساند، مرا آزرده و من در روز قیامت دشمن او خواهم بود».

بر این اساس باور به مساله تعامل و گفتگوی بینا دینی، اصلی محوری در تعالیم پیامبر اسلام و الگوی تربیتی حضرتش برای همه باورمندان به ادیان توحیدی بوده است.

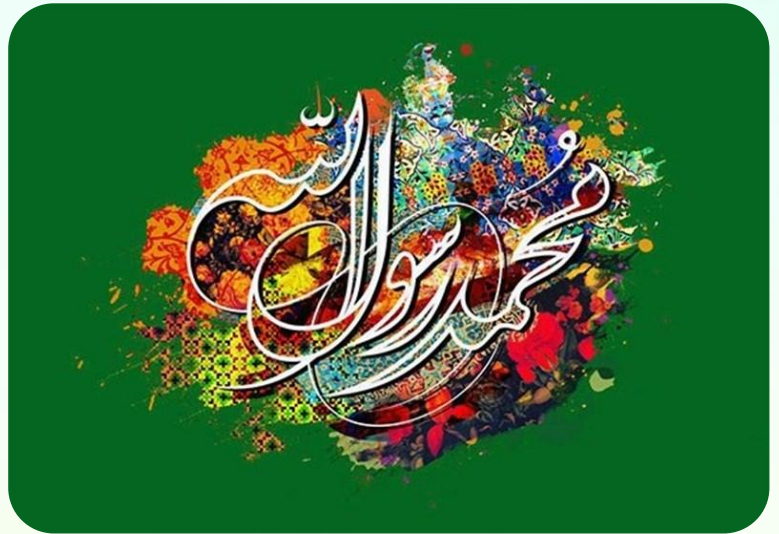
تعامل پیامبر اسلام (ص) با پیروان ادیان دیگر

دکتر مرتضی صانعی: استاد حوزه و دانشگاه

پیامبر مسلمانان را به حبشه هجرت داد و با ارسال نامه و سفیر، ارتباط معنوی و سیاسی با نجاشی برقرار نمود. جعفر بن ابی طالب، نماینده مسلمانان، قرآن را برای نجاشی خواند که وی را تحت تأثیر قرار داد و مهاجران نزد او مورد احترام و حمایت قرار گرفتند. پیامبر نسبت به نجاشی احترام قائل بود و پس از درگذشت او، نماز بر جنازه نجاشی خواند. این تعامل ضمن معنوی بودن، از جنبه سیاسی و دیپلماتیک نیز حائز اهمیت بود.

۲. پیامبر با نخبگان دینی اهل کتاب نیز در قالب مباحثات علمی و دعوت به دین اسلام ارتباط داشت. وفاداری به اصول اخلاقی و احترام متقابل در این گفت‌وگوها مشهود بود. نمایندگان مسیحیان نجران به مدینه آمدند و در مناظرات دینی شرکت کردند که یکی از مصادیق آن، ماجرای مباحله است. این ارتباطات غالباً هدف دعوت و آموزش داشت و در کنار آن احترام به عقاید دیگران حفظ می‌شد.

۳. پس از هجرت پیامبر به مدینه، پیمان مدینه بین مسلمانان و یهودیان بسته شد که وحدت اجتماعی و امنیت متقابل را تضمین می‌کرد. در این پیمان، آزادی آیین و حفاظت از جان و مال اقلیت‌ها تثبیت شد. این پیمان ۳۷ ماده‌ای، نمونه بارز رعایت حقوق اقلیت‌ها در جامعه اسلامی اولیه است و یهودیان در کنار مسلمانان به عنوان ملت واحد در برابر دشمن مشترک قرار گرفتند.



پیامبر اسلام (ص) علاوه بر رسالت معنوی، مسئولیت تأسیس حکومت در مدینه را نیز بر عهده داشت که تعامل با اقلیت‌های دینی و اهل کتاب از مسائل مهم و قابل مطالعه است. این تعامل، الگوی اولیه هم زیستی دینی در تاریخ بشر و نمونه‌ای برای حقوق اقلیت‌ها در جهان معاصر است. پیامبر اسلام مظهر رحمت برای همه انسان‌ها بود و این رحمت در قرآن به صراحت ذکر شده است:

«و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین» (انبیاء: ۱۰۷) و «فبما رحمه من الله لهنّ...» (آل عمران: ۱۵۹). اما در کنار این رحمت، برخوردهای محدود و قاطعانه‌ای نیز با برخی گروه‌های یهودی که پیمان شکنی کردند، انجام شد که این رویکرد دوگانه مبتنی بر حفظ عدالت و امنیت جامعه اسلامی بود. در این یادداشت به منظور نشان دادن این تعامل به چند نکته اشاره می‌شود.

۱. از نمونه‌های مهم تعامل پیامبر با نخبگان اهل کتاب، می‌توان به ارتباط غیرمستقیم با نجاشی، حاکم عادل و مسیحی حبشه اشاره کرد.



در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اشاره کرد که پیامبر اسلام اساساً نمود بارز رحمت و لطف الهی بود و این ویژگی در تعاملاتش با پیروان دیگر ادیان قابل مشاهده است.

رفتار پیامبر مبتنی بر مدارا، حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن بود. در مواردی که برخورد نظامی رخ داد، هدف حفظ امنیت جامعه نوپا و جلوگیری از خیانت و فتنه بود. بعلاوه احترام به حقوق انسانی، حرمت جنازه و عیادت از بیماران غیرمسلمان نشان‌دهنده رویکرد اخلاقی و انسانی پیامبر اسلام (ص) بود.

۴. برخوردهای قاطع پیامبر با برخی طوایف یهودی (بنی قریظه، بنی نضیر، بنی قینقاع) پس از نقض پیمان و اقدامات دشمنانه آنان صورت گرفت و هدف آن حفظ امنیت و ثبات مدینه بود، نه ظلم یا اجبار دینی. این رفتارها بخشی عارضی در یک‌روند کلی رحمت و مدارا به حساب می‌آیند.

۵. پیامبر مسیحیان و مجوسیان را به اسلام دعوت می‌کرد؛ اما اجازه داشتند به آیین خود ادامه دهند، البته مجوسیان ملزم به پرداخت جزیه بودند. پیامبر با رفتار محبت‌آمیز، عیادت مریضان غیرمسلمان را انجام می‌داد و در مواردی از ایشان پذیرایی می‌کرد.

یکی از نمونه‌های مشهور، ایمان آوردن مسیحی عداس در طائف به دلیل رفتار و سخنان پیامبر است.

معراج پیامبر در نسخ خطی واتیکان

پروفسور پیه مونتره، محقق و ایرانشناس ایتالیایی (بخش سوم)

۳.۳. پیامبران

«وارد مسجد شدم و «پیامبران» را دیدم.» طبق سنت ابوالعلیه آمده است: «من ارواح پیامبران را دیدم از زمان ادريس و نوح تا زمان عیسی. خدای متعال آنها را گرد آورده بود. آنها به من سلام کردند و مرا تحسین کردند، همان طور که فرشتگان این کار را کرده بودند.»

«اینها چه کسانی هستند؟ از جبرئیل پرسیدم.»

«اینان برادران تو هستند. آنها فرستادگان و پیام‌آوران قریش‌اند که خدا آنها را همراهی کرده؛ یهودیان و مسیحیان می‌گویند که خدا همسر و فرزند دارد. از این پیامبران بپرس که آیا خدا را شریکی هست؟ بپرس از کسانی که پیش از تو فرستادیم، آیا خدای رحمان را معبودی غیر از او قرار دادیم؟» [قرآن، سوره زخرف، آیه ۴۵].

«آنها یگانگی و فرمانروایی مطلق خدا را تأیید کردند.»

۳.۴. تضاد نیایش‌ها

ابراهیم، موسی، داوود، سلیمان، عیسی، محمد

«پس جبرئیل همه را جمع کرد، حتی فرشتگان را، و آنها را در صف‌هایی قرار داد؛ من را در میان آنها قرار داد. پس من در نماز آنها را رهبری کردم و دو رکعت خواندم. سپس پیامبران برای سپاسگزاری از لطف خداوند، ستایش‌هایی به جا آوردند.»



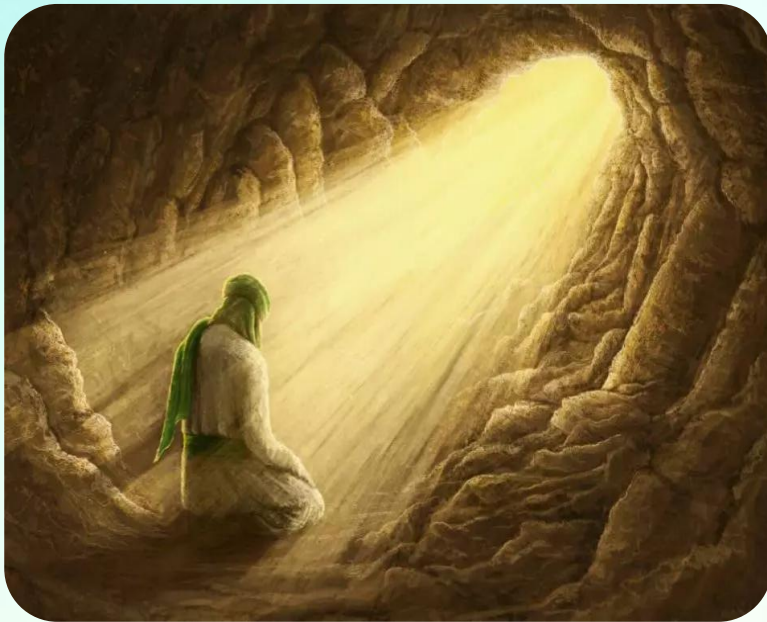
اورشلیم

۳.۱. درود فرشتگان

«از آنجا حرکت کردم تا به اورشلیم رسیدم. ناگاه گروهی از فرشتگان را دیدم که از آسمان فرود آمدند، مرا درود گفتند و بشارت آوردند، به فرمانی که از سوی خدا برآمده بود»

۳.۲. حلقه معبد

«پیش رفتیم تا به دروازه مسجد اورشلیم رسیدیم، جایی که جبرئیل گفت: فرود بیا. پیاده شو. او اسبم را به حلقه‌ای در در مسجد بست، با لگامی از حریر بهشتی، و گفت: این همان حلقه‌ای است که پیامبران وقتی به اینجا می‌آمدند اسب‌های خود را به آن می‌بستند.»



سپس من گفتم:

«همه شما خدا را ستایش کردید. من نیز او را شکر می‌گویم به خاطر نیکی‌هایی که به من عطا کرده است. سپاس خدایی را که مرا به رحمت جهانیان برگزید، مرا به سوی تمام مردم با بشارت و اندرز فرستاد، قرآن را برایم آشکار ساخت، که در آن بیان هر چیزی هست، امت مرا بهترین امت قرار داد، امتی میانه‌رو، امت پیشین و پسین، سینه‌ام را شکافت، مرا به آسمان برد، نامم را بالا برد، در را گشود و آن را مهر کرد».

و ابراهیم گفت: «و به همین دلیل خدا فرمود: "او را بر همه برتری داد" [قرآن، سوره انعام، آیه ۸۶]. پس محمد بالاتر از شماست».

۳.۵. آزمایش دوم نوشیدنی‌ها

«سپس سه ظرف گشوده آوردند: یکی آب، دیگری شیر، و سومی شراب. من ظرف آب را برداشتم و کمی نوشیدم. سپس ظرف شیر را برداشتم و تا حدی نوشیدم. وقتی شراب به من تعارف شد، گفتم: نیازی ندارم، تشنه نیستم».

«ابراهیم گفت: سپاس خدای را که مرا به دوستی برگزید، به من سلطنتی عظیم بخشید، به من امت پرهیزگاری داد، و مرا از آتش نمرود نجات داد».

«پس موسی خدا را ستود و گفت: - سپاس خدای را که با من سخن گفت، فرعون و قومش را نابود کرد، فرزندان اسرائیل را نجات داد، و قومی برایم ساخت که راه حقیقت را نشان دهند و خداوند را به عدالت پرستش کنند».

«داوود خدا را ستود و گفت: سپاس خدای را که سلطنتی عظیم به من بخشید، زبور را به من آموخت، آهن را برایم نرم کرد تا زره بسازم، کوه‌ها را مسخرم کرد تا سرودهای مرا تکرار کنند، و حکمت و داوری راست به من داد».

«سلیمان گفت: سپاس خدای را که باد را مسخر من کرد، جن‌ها را به فرمانم گماشت تا برایم محراب‌ها، پیکره‌ها، سینی‌های بزرگ و دیگ‌های عظیم بسازند، به من زبان پرندگان را آموخت، همه فضایل را به من عطا کرد، و سلطنتی به من داد که پس از من هیچ‌کس به آن نخواهد رسید».

«پس عیسی خدا را ستود و گفت: - سپاس خدای را که مرا با «کلمه‌ای از سوی خود» فرستاد [قرآن، سوره آل عمران، آیه ۴۵]، مرا به صورت و شباهت آدم آفرید، که از گل خلق شده بود، و کتاب، حکمت، تورات و انجیل را به من عطا کرد؛ مردگان را به دست من زنده کرد، به واسطه من کوران و جذامیان را شفا داد، مرا بالا برد و پاک گردانید، و مادرم را از تهمت سنگسار محفوظ داشت و پناه داد».

۴. صعود

۴.۱. آسمان پایین‌تر

«جبرئیل مرا با بال خود گرفت، و با آن نردبان مرا به آسمان اول برد. به در زد.

- کیست؟ پرسیدند.

- جبرئیل، پاسخ داد.

- چه کسی همراه توست؟

- محمد.

- آیا محمد فرستاده شده؟

- بله.

- خوش آمد به او! خدا او را زنده نگه دارد، چه برادر خوبی، چه جانشین خوبی، چه آمدن مبارکی! در را باز کردند و ما وارد شدیم.»

۴.۲. خروس کیهانی

«وقتی وارد آسمان اول شدم، خروسی را دیدم که پرهای گردنش سبز بود، و سر و بدنش سفید. هرگز سبز و سفیدی به این زیبایی ندیده بودم.» «پنجه‌های او زیر زمین هفتم بود، سرش زیر عرش قرار داشت. گردنش دو بار تا شده بود، و دو بالش، وقتی باز می‌شدند، به شرق و غرب می‌رسیدند. هنگام غروب، بال‌هایش را باز می‌کرد، آن‌ها را به هم می‌زد و خدا را تسبیح می‌گفت:

"ستایش خدای بلندمرتبه، پروردگار والا" [قرآن، سوره جمعه، آیه ۱]،

"هیچ خدایی جز او نیست، زنده و پایدار" [قرآن، سوره بقره، آیه ۲۵۵].



[ابراهیم] به من گفت: این امر برای امت تو ممنوع خواهد شد. و برایم توضیح داد: اگر آب زیادی می‌نوشیدی، امت تو در خطر غرق شدن بود؛ اگر شراب می‌نوشیدی، امت به آن معتاد می‌شد و از آن پرهیز نمی‌کرد.»

۳.۶. نردبان (معراج)

«سپس جبرئیل دستم را گرفت و مرا نزدیک صخره‌ای برد که در آن پایه نردبان [mi'rāj] قرار داشت؛ آن، صخره‌ای در اورشلیم بود. پایه نردبان روی این سنگ قرار داشت، و نردبان به آسمان متصل بود، چنانکه چیزی زیباتر از آن ندیده بودم.

یک پله آن از یاقوت سرخ بود، یکی از زمرد، و یکی از طلا و نقره، با مروارید و یاقوت تزئین شده.

این همان نردبانی است که فرشته مرگ هنگام گرفتن جان‌ها از آن پایین می‌آید. این لحظه‌ای است که چشمان در حال مرگ بسته می‌شود و روح، که دیگر به بدن تعلقی ندارد، در برابر آن زیبایی خیره می‌ماند.»

جبرئیل گفت: ما هم همان ترس را داریم. او فرشته‌ی مرگ است، مأمور قبض ارواح. کار او سخت‌ترین وظیفه در میان همه فرشتگان است.

- آیا مرگ بدترین بلای انسان است؟+ نه. آن‌چه پس از مرگ می‌آید، بزرگ‌تر و هول‌انگیزتر است.

- آیا کسی که می‌میرد او را می‌بیند؟+ بله.

می‌خواهم نزدیک او بروم، سلام کنم و چیزی بپرسم. جبرئیل مرا نزد او برد، و من سلامش کردم. او به جبرئیل اشاره کرد و پرسید: این کیست؟ جبرئیل گفت: این محمد است، پیامبر رحمت و فرستاده‌ی خدا به سوی عرب‌ها. فرشته‌ی مرگ گفت: خوش آمدی، ای پیامبر رحمت!

و بسیار مهربانانه با من سخن گفت: ای محمد، تو بشارت‌آور خوبی هستی؛ در امت تو همه‌ی آثار نیکی باقی خواهند ماند.

گفتم: سپاس خدا را، نیکو و بخشاینده!

سپس پرسیدم: این لوحی که در دست داری چیست؟ این لوحی است که پایان عمر همه انسان‌ها در آن نوشته شده.

و نام کسانی که تاکنون جان‌شان را گرفته‌ای؟ آن‌ها در لوحی دیگر هستند. چطور ممکن است، ای فرشته‌ی مرگ، در حالی که بر تخت نشسته‌ای، ارواح مردم زمین را قبض کنی؟»

«آیا نمی‌بینی که تمام دنیا در برابر من است، از شرق تا غرب؟ و دست من به هر جا می‌رسد؟ دنیا برای من همچون سفره‌ای گسترده است: به هر جا که بخواهم، دست دراز می‌کنم و می‌گیرم. وقتی لحظه آخر انسانی فرامی‌رسد، من او را نگاه می‌کنم و به دستیارانم علامت می‌دهم. آن‌ها از نگاه من می‌فهمند که باید روح او را بگیرند، و فوراً آن را می‌ربایند. وقتی روح به گلو می‌رسد، دیگر متعلق به من است و فرار نمی‌کند: دست دراز می‌کنم و آن را می‌گیرم. هیچ موجودی جز من مأمور گرفتن روح‌ها نیست. این وظیفه من است با مخلوقات خدا.»

وقتی خروسان آسمانی آواز او را می‌شنوند، همگی شروع به خواندن و تسبیح خدا می‌کنند و بال می‌زنند؛ و هنگامی که او آرام می‌گیرد، خروسان زمینی نیز خاموش می‌شوند. و زمانی که دوباره آواز سر می‌دهد و تسبیح می‌گوید، خروسان زمینی هم با او هم‌نوا می‌شوند. پیامبر فرمود:

«چون چنین دیدم، گفتم: پروردگارا، بسیار دوست دارم او را دوباره ببینم.»

۴.۳. فرشته‌ی آتش و برف

«گذشتم و به فرشته‌ای رسیدم که بدنش نیمی از آتش و نیمی از برف بود؛ اما نه آتش، برف را آب می‌کرد، و نه برف، آتش را خاموش می‌کرد. تسبیح او با صدایی رسا چنین بود:

"ای خدا، تویی که آتش و برف را در کنار هم قرار دادی! دل‌های بندگان مؤمنت را با هم هماهنگ کن!"

از جبرئیل پرسیدم: این کیست؟

پاسخ داد: این فرشته‌ای است به نام "حبیب"، که خداوند او را مأمور کرده تا در میان آسمان‌ها و سرزمین‌ها نگهبانی دهد. او مردم را اندرز می‌دهد. ذکر او همان است که از روز آفرینش از سوی خدا مقرر شده است.»

۴.۴. فرشته‌ی مرگ و لوح‌های تقدیر

باز هم پیش رفتم تا به فرشته‌ای رسیدم که بر تختی نشسته بود. او همه جهان را پیش روی خود داشت، و لوحی از نور در دست داشت. به آن لوح نگاه می‌کرد، به راست و چپ می‌نگریست و اندوهگین و غم‌زده بود، به شکل انسانی.

پرسیدم: این کیست؟ تا کنون هیچ فرشته‌ای ندیده بودم که از او بترسم، مگر این یکی.

معرفی کتابخانه آمبروزیانی شهر میلان به بهانه بازدید سفیر جمهوری اسلامی ایران در واتیکان

از جمله افتخارات این کتابخانه آن است که از نخستین کتابخانه‌های ایتالیا بود که به هر کسی که توانایی خواندن و نوشتن داشت، اجازه‌ی ورود و استفاده می‌داد.

این کتابخانه در سال ۱۶۰۷ بنیاد نهاده شد، اما تنها در سال بعد، در تاریخ ۸ دسامبر ۱۶۰۸، افتتاح گردید. بنیان‌گذار آن کاردینال فدریکو بورومه‌ئو (۱۵۶۴-۱۶۳۱، اسقف اعظم میلان از ۱۵۹۵) بود که می‌خواست مرکزی فرهنگی بیافریند که همانند نداشته باشد. اندکی بعد، یک نگارخانه، یک دانشکده دکتورها و یک آکادمی طراحی نیز به آن پیوستند.



به بهانه بازدید دکتر مختاری سفیر جمهوری اسلامی ایران در واتیکان از کتابخانه بزرگ شهر میلان که در تاریخ ۳۱ مردادماه انجام شد و مشروح گزارش این بازدید در شماره قبلی (هشتاد و دو) هفته نامه سفارت (صفحات ۱۱ و ۱۲) درج گردید. در این شماره اقدام به معرفی کتابخانه بزرگ شهر میلان کردیم که از نظر شما خوانندگان گرامی می‌گذرد.

کتابخانه‌ی آمبروزیانا در میلان امروز یکی از قدیمی‌ترین کتابخانه‌های ایتالیا و بی‌تردید از مهم‌ترین کتابخانه‌های جهان به شمار می‌آید؛ هم از نظر حجم آثار، و هم از نظر نوع منابعی همچون چاپ‌های کهن، طراحی‌ها، دست‌نوشته‌ها و نسخ خطی اولیه (اینکونابولا) که تاکنون در آن نگهداری شده است.



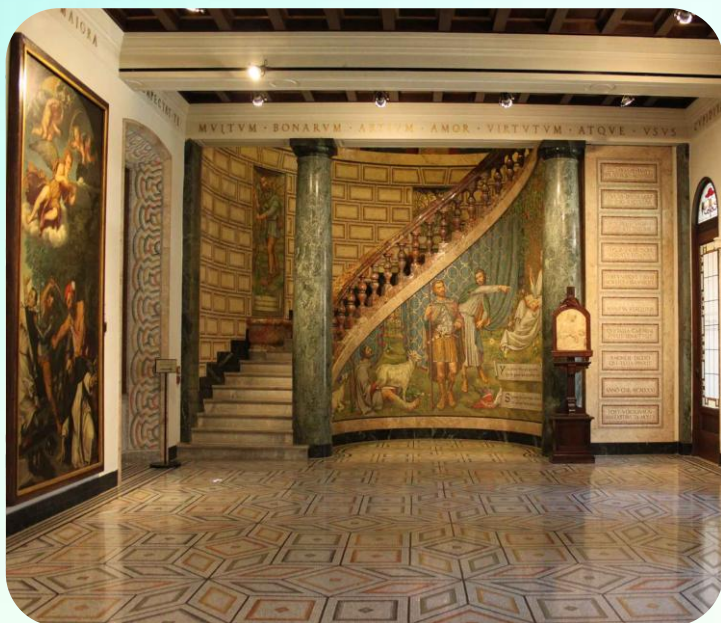
یکی از ویژگی‌های جالب کتابخانه آمبروزیانا، که از زمان تأسیسش شناخته شده بود، اراده‌ی روشن بنیان‌گذار آن در گردآوری آثار متعلق به ادیان و فرهنگ‌هایی غیر از مسیحیت بود. هدف از این رویکرد چندفرهنگی، دستیابی به غنای معنوی و انسانی بود، بدون آن‌که پیش‌داوری‌ها و تعصب‌ها عطش دانایی و شناخت جهانی را که کتاب‌ها فراهم می‌کردند، محدود سازد.

در آغاز، کتابخانه آمبروزیانا با حدود ۱۲ هزار دست‌نوشته پایه‌گذاری شد، که بعدها شمار آن‌ها از ۲۰ هزار گذشت و منشأ آن‌ها بسیار گوناگون بود.

کاردینال بورومه‌ئو که دغدغه‌ی تربیت یک روحانیت دانشمند را داشت روحانیانی که دانش آنان بتواند رسالتشان را سودمندتر و خدمتشان را معتبرتر سازد تصمیم گرفت کالجی از حدود پانزده روحانی ایجاد کند که وظیفه‌شان تخصص یافتن در شاخه‌های مختلف دانش باشد، تا بدین وسیله به شکوه کلیسا، دفاع و گسترش ایمان، و خدمت به پژوهشگران یاری رسانند. او با هزینه‌ی شخصی خود تأمین مالی این کالج را برعهده گرفت تا اعضا بی‌دغدغه‌ی معیشتی بتوانند به مطالعه بپردازند.

بورومه‌ئو گنجینه‌های ادبی گردآوری‌شده را به این گروه سپرد و خواست تا آنان به انتشار، شرح و معرفی آن‌ها بپردازند و این مأموریت پس از مرگ او نیز ادامه یابد.





پیش از افتتاح رسمی، کاردینال بورومه‌ئو نمایندگان به جنوب ایتالیا، جزایر ایونی و اژه، یونان، سوریه، ترکیه، مصر، آلمان، پروانس، اسپانیا و هر جا که امکان دسترسی به آثار ارزشمند می‌رفت، فرستاد. به اعتبار جایگاه او به‌عنوان اسقف اعظم میلان، بسیاری از صومعه‌ها بهترین آثار خود را به او هدیه کردند. همچنین، او با کمک دلان زبده توانست مجموعه‌های مهمی را از بزرگ‌ترین کتاب‌دوستان و وارثان انسان‌گرایان آن دوران برای کتابخانه خریداری کند.

از این‌رو دست‌نوشته‌های عربی، فارسی و ترکی برای او در استانبول، دمشق، بغداد، اورشلیم و قاهره خریداری شد و گاهی حتی به سفارش او نگاشته شد. این فوندوی قدیمی آمبروزیانا شامل ۲۲۴ دست‌نوشته عربی اسلامی و مسیحی است که بیشتر آن‌ها در زمان کاردینال بورومه‌ئو گردآوری شدند و به دلیل زیبایی و قدمتشان ممتازند. از نمونه‌های نفیس آن می‌توان به:

- برگ‌هایی از نسخه‌ی ناقص قرآن به خط کوفی (قرون هشتم-نهم میلادی)،
- یک نسخه‌ی جیبی هشت‌ضلعی از قرآن به سبک عثمانی،
- قطعاتی از کتاب «الحيوان» اثر جاحظ (م. ۸۶۸) همراه با ۳۲ نگاره‌ی زیبا،
- نسخه‌ی «سمپوزیوم الاطباء» اثر ابن بطالان (م. ۱۰۶۳) شامل ۱۱ نگاره در یک مجموعه‌ی پزشکی مربوط به قرن سیزدهم میلادی اشاره کرد.

میان این دست‌نوشته‌ها (که برخی متعلق به قرن چهارم و پنجم میلادی‌اند) متون بسیاری به زبان‌های لاتین، یونانی، شرقی (از جمله عربی و فارسی) و ایتالیایی دیده می‌شود. برخی نسخه‌های اصلی کتاب مقدس یا ترجمه‌های کهن آن‌اند، برخی دیگر آثار مربوط به آیین‌ها، پدران کلیسا یا تاریخ دینی و غیر دینی، تواریخ کهن، افسانه‌ها و اسناد ارزشمند روزگار گذشته. گرانبهاترین و حساس‌ترین نسخه‌ها در مکان‌هایی ویژه با شرایط کنترل شده‌ی دما و رطوبت نگهداری می‌شوند و دسترسی عمومی به آن‌ها محدود است.

با حدود دو هزار نسخه، مجموعه‌ی دست‌نوشته‌های عربی و اسلامی کتابخانه آمبروزیانا غنی‌ترین مجموعه در ایتالیا به شمار می‌آید. بر اساس طرح کاردینال بورومه‌ئو، آمبروزیانا تنها کتابخانه نبود: در آن یک «کالج دکتورها» نیز حضور داشت که باید پژوهش علمی را در ارتباط با دانشمندان سراسر اروپا پیش می‌برد.

در تاریخ مطالعات شرقی در دوران رنسانس نمی‌توان از یاد برد نسخه‌ی خطی‌ای را که شامل متن عربی قرآن و ترجمه‌ی لاتینی آن است؛ ترجمه‌ای که به سفارش کاردینال و فیلسوف اِجیو دا ویترو در سال ۱۵۲۰ انجام شد. این نسخه نمونه‌ای شگفت‌انگیز از تلاش تفسیری و دقت زبان‌شناختی است. تاریخچه، نسخه‌شناسی و تحلیل دقیق منابع و گزارشگران این دست‌نوشته موضوع پژوهش‌های محققان پروژه‌ی اروپایی *EuQu (The European Qur'an ۱۱۴۰-۱۸۳۰)* (بوده است؛ پروژه‌ای که به تاریخ دریافت قرآن در اروپای قرون وسطی و اوایل عصر جدید می‌پردازد.

مجموعه‌ی دست‌نوشته‌های عربی کتابخانه آمبروزیانا در طول زمان به‌طور چشمگیری گسترش یافت.

- میانه‌مجموعه: (*Medio Fondo*) شامل ۱۳۴ دست‌نوشته که تا قرن بیستم به تدریج خریداری شد.
- مجموعه‌ی جدید (*Nuovo Fondo*): شامل بیش از ۱۷۰۰ نسخه‌ی یمنی (۱۷۷۸) نسخه بر اساس کاتالوگ رناتو ترایینی در چهار جلد) که گردآورنده‌ی آن جوزپه کاپروتی، مجموعه‌دار اهل لومباردیا بود. او بیش از سی سال در صنایع زندگی کرد و این دست‌نوشته‌ها را خریداری نمود و سپس در ۱۹۰۹ به کتابخانه آمبروزیانا فروخت.



این مجموعه بزرگ‌ترین گردآوری نسخه‌های یمنی در خارج از یمن به شمار می‌رود و تصویری کم‌نظیر از تاریخ ادبی و علایق فرهنگی گوناگون جامعه یمن را ارائه می‌دهد. در آن، متون اسماعیلی و زیدی در کنار آثار فقهی سنی و متون ادبی متنوع دیده می‌شود؛ همچون کتابخانه‌ای کامل. حدود ۵۰۰ نسخه شامل متونی یکتا یا بسیار نادر هستند که در جهان تنها دو نسخه دیگر از آن‌ها شناخته شده است. نمونه‌هایی برجسته عبارت‌اند از:

- *Kaw kib al-durriya* اثر المحلّی (م). (۱۲۵۵)،

- و مجموعه‌ای ارزشمند از اسناد که به خط خود شوکانی (م. ۱۸۳۲)، بزرگ‌ترین نویسنده یمنی در دوران جدید، نگاشته شده است.

این دستاورد، یکی دیگر از افتخارات کتابخانه آمبروزیانا در زمینه‌ی نسخه‌های عربی است.

کتابخانه آمبروزیانا همچنین سرشار از آثار ادبیات کهن است: متونی از شاعران و نویسندگان یونانی و لاتین، آثار خطی سخنوران، دستورنویسان و مفسران. آثار هنری نیز جایگاهی برجسته دارند: بیش از ۲۰۰ دست‌نوشته مصور متعلق به مکاتب مختلف هنری اروپا.

در میان این گنجینه‌ها، دست‌نوشته‌های لئوناردو داوینچی جایگاه ویژه‌ای دارند که در سال ۱۶۳۷، پس از مرگ کاردینال بورومه‌ئو، توسط گالاتسو آرکوناتی، خویشاوند و دوستدار او، به کتابخانه اهدا شدند.



مسیر نمایشگاهی پیناکوتکا امروز شامل ۲۴ تالار است و شاهکارهایی از برجسته‌ترین هنرمندان تاریخ را در بر دارد، از جمله:

- موسیقی‌دان اثر لئوناردو داوینچی،
- سبد میوه اثر کاراواجو،
- کارتون مقدماتی برای مدرسه آتن اثر رافائل،
- ستایش مغان اثر تیسیان،
- مادونا با پرده اثر بوتیچلی،
- و گلدان‌های گل اثر یان برویگل.

علاوه بر آثار رنسانس، موزه همچنین مجموعه‌های مهمی از هنرمندان سده‌های هفدهم، هجدهم، نوزدهم و حتی اوایل سده بیستم را در بر می‌گیرد.

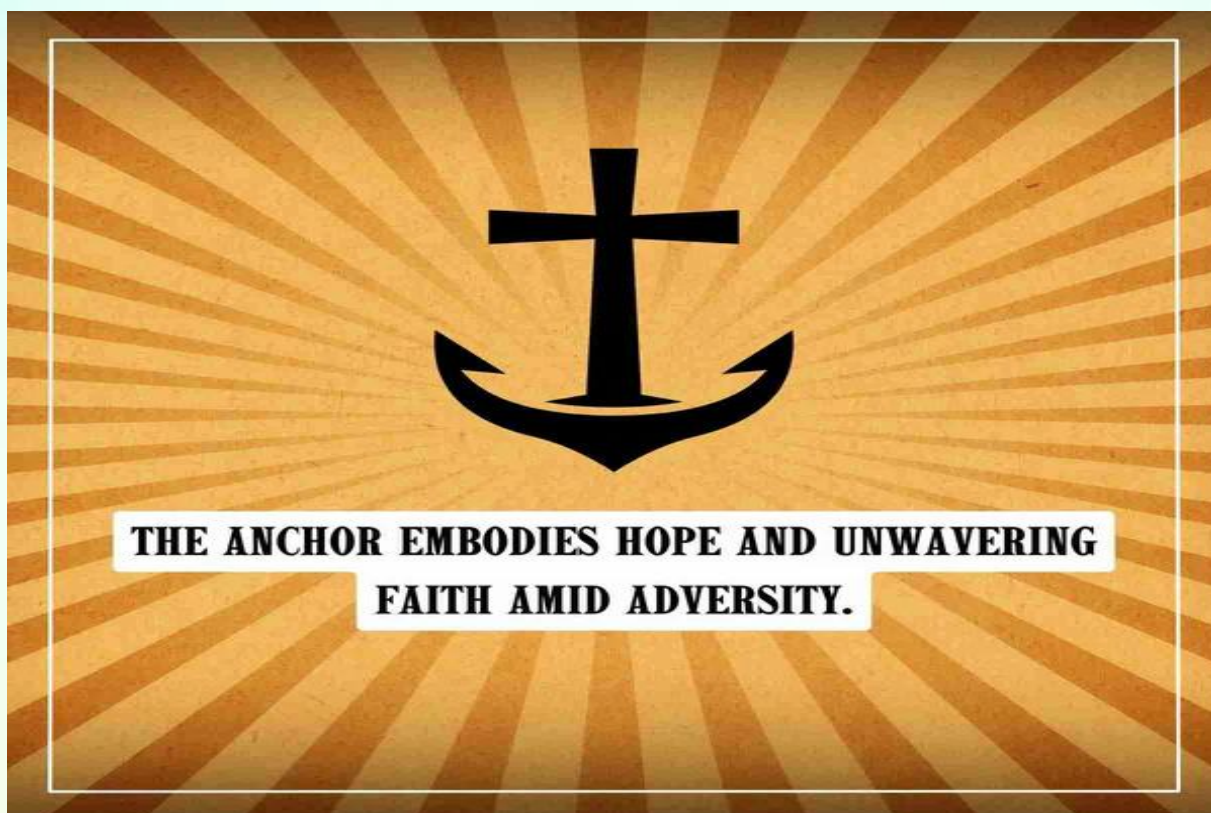


در مورد کتاب‌های چاپی نیز، که در آغاز حدود ۳۰ هزار نسخه بودند، رشد مجموعه بسیار سریع رخ داد، بیشتر به لطف اهداکنندگان سخاوتمند. به واسطه‌ی این اهداات و نیز خریدهای مستمر، شمار نسخه‌های چاپی کتابخانه تقریباً ده برابر شد. کتابخانه همچنین از نظر مجموعه‌های کمیاب بسیار غنی است: شامل اینکونابولا (چاپ‌های اولیه)، آثار انتشارات آلدینه، الزویر، کومین، بودن، کتاب‌های مصور و دیگر نوادر کتاب‌شناختی. این ویژگی‌ها کتابخانه آمبروزیانا را نهادی فوق‌العاده ارزشمند کرده‌اند.

در درون کاخ آمبروزیانا، در کنار کتابخانه، پیناکوتک آمبروزیانا (نگارخانه) نیز قرار دارد که در آوریل ۱۶۱۸ تأسیس شد؛ زمانی که کاردینال فدریکو بورومه‌ئو مجموعه‌ی شخصی نقاشی‌ها، مجسمه‌ها و طراحی‌های خود را به کتابخانه بخشید. هدف از این کار، فراهم کردن آموزش فرهنگی رایگان برای هر کسی بود که استعداد هنری یا فکری داشت. از سال ۱۶۲۱، یک آکادمی نقاشی و مجسمه‌سازی هم به آن افزوده شد.

بنیان‌گذار قصد داشت پیناکوتکا مجموعه‌ای از آثار «الگوساز» هم از نظر زیبایی و هم از نظر اخلاقی باشد تا هنرجویان آکادمی از آن بهره‌برد. این آکادمی در سال ۱۷۷۶ تعطیل شد، اما نگارخانه به حیات خود ادامه داد و شمار آثارش از ۲۵۰ قطعه اولیه به حدود ۱۵۰۰ اثر رسید.

نمادهای مسیحی - (۱۷): لنگر



لنگر اغلب در کنار یک یا چند ماهی تصویر می‌شد که خود نمادی از عیسی بود؛ گاهی نیز شاخه‌های نخل افزوده می‌شد که ارواح درگذشتگان را نمایندگی می‌کرد.

این نشانه‌های گرانبها بیانگر فضای سرشار از امید شادمانه‌ای بودند که در کاتاکومب‌ها موج می‌زد؛ همان فضایی که ترتولیان با جمله‌ی مشهور خود آن را بیان کرده است: «اعتماد مسیحیان، رستاخیز مردگان است». در دوران باستان، لنگر در آثار هنری و کنده‌کاری‌ها نیز به عنوان نماد مسیحیت به کار می‌رفت.

نشانه‌ی لنگر، به سبب شباهت آن به صلیب، به‌ویژه در دوران آزار و شکنجه‌ها، به عنوان نمادی پوشیده از صلیب عیسی استفاده می‌شد.

لنگر ابزاری که در دریانوردی برای پایداری و امنیت کشتی‌ها به کار می‌رود و در دوران باستان تنها وسیله‌ی ایمنی در برابر خطرات دریا به شمار می‌آمد خیلی زود برای مسیحیان به نماد امید بدل شد. آنان بلافاصله پیوندهای نمادین لنگر با ایمان خود را درک کردند. مسیحیانی که در قرن نخست در انتظار بازگشت قریب‌الوقوع مسیح بودند، خود را به این امید آخرالزمانی "لنگر می‌انداختند" و از لنگر به عنوان نماد انتظار استفاده می‌کردند (عبرانیان ۶: ۱۹).

لنگر بر روی قبرها حک می‌شد و به نمادی از ایمان نخستین مسیحیان به زندگی جاوید تبدیل گشت. کتیبه‌های سده‌ی دوم میلادی لنگر را همراه با نام متوفی نشان می‌دهند و گاه عباراتی همچون «صلح با تو، صلح مسیح، در خدا زنده باش» بر آن‌ها افزوده می‌شد.



میله‌ی افقی که در زیر حلقه‌ی طناب قرار داشت، در واقع شکل صلیب را تداعی می‌کرد. از دیدگاه تاریخی و اعتقادی، لنگر صلیب‌گون (صلیب‌شکل) بسیار مهم است، چرا که در تمدن‌های دیگر مشابهی ندارد و می‌توان آن را اختراع اصیل مسیحیت دانست. در کنار تصویر تمثیلی شبان نیکو که بر دوش خود بره‌ای حمل می‌کرد، لنگر بیانگر این آرزو بود که روح متوفی در شمار برگزیدگان قرار گیرد؛ تا قرون چهارم و پنجم که نقش لنگر از کتیبه‌های مسیحی ناپدید شد و جای خود را به تصویر مسیح مصلوب و برخاسته داد. واژه‌ی «لنگر» تنها در عهد جدید ذکر شده است. در برخی موارد به معنای واقعی به کار رفته و در برخی دیگر به صورت استعاری.

لنگرها در داستان سفر پولس به روم در میان طوفان و غرق شدن کشتی ذکر شده‌اند (اعمال رسولان ۲۷:۱۳، ۱۷، ۲۹-۳۰، ۴۰). به عنوان نمونه، در اعمال رسولان آمده است که پس از رسیدن پولس و دیگر زندانیان به مالت، «ملوانان از ترس اینکه به صخره‌ها برخورد کنند، چهار لنگر از پاشنه انداختند و با نگرانی انتظار طلوع صبح را کشیدند» (اعمال ۲۷:۲۹). همچنین گفته شده که عیسی و شاگردانش در گنيسارت کشتی خود را لنگر انداختند (مرقس ۵۳:۶).



کتاب مقدس از لنگر به‌طور استعاری نیز استفاده می‌کند تا امیدی را نشان دهد که مؤمنان همچون لنگر جان‌هایشان دارند. روفینوی آکوئیلیایی (۳۴۵-۴۱۰) نوشته است: «چنانکه دریانورد هنگام برخاستن طوفان لنگر می‌اندازد، ما نیز اگر لنگر امید خود را در خدا استوار کرده باشیم، از هیچ طوفانی در جهان نخواهیم ترسید». برای جان‌های مؤمنان مسیحی، لنگر نشانه‌ی امید به میراث خدا در مسیح است؛ لنگری استوار که بر ایمان به عیسی و وعده‌های خدا استوار است. هنگامی که طوفان‌های زندگی مسیحی را از ترس‌ها، نگرانی‌ها یا شک‌ها فرا می‌گیرند، او به وعده‌های خدا می‌آویزد و در نجاتی که عیسی فراهم کرده ثبات می‌یابد.



این امید برای جان ما همچون لنگری استوار و مطمئن است که تا آن سوی پرده‌ی قدس داخل می‌شود، جایی که عیسی به‌عنوان پیشرو برای ما وارد شده است» (عبرانیان ۱۸: ۶-۲۰). و نیز آمده است:

«تصویر لنگر گویاست تا بفهمیم پایداری و امنیتی را که در میان آب‌های متلاطم زندگی داریم، زمانی که خود را به عیسی می‌سپاریم. هیچ طوفانی نمی‌تواند بر ما چیره شود، زیرا به امید فیض لنگر انداخته‌ایم؛ امیدی که قادر است ما را در عیسی زنده نگاه دارد و از گناه، ترس و مرگ فرابرد. این امید بسی فراتر از لذت‌های روزانه و بهبود شرایط زندگی است؛ ما را از آزمون‌ها عبور می‌دهد و برمی‌انگیزد تا مسیر را ادامه دهیم بی‌آنکه عظمت هدفی را که بدان فراخوانده شده‌ایم، یعنی آسمان، از نظر دور کنیم».

بند ۲۵ فرمان پاپی

Spes non confundit

خدا نمی‌خواهد پیروانش سرگردان شوند، بلکه می‌خواهد در جایی امن ثابت بمانند. همان‌طور که لنگر کشتی را از حرکت بی‌هدف در دریا حفظ می‌کند، امید مسیحیان به عیسی نیز آنان را در طوفان‌های دشوار، نامطمئن و اغلب دردناک زندگی در امان نگاه می‌دارد.

در نماد یوبیلوی ۲۰۲۵، که در آن زائرانی به تصویر کشیده شده‌اند، دیده می‌شود که نخستین نفر، ستونی از صلیب را در دست دارد که در پایین به لنگر ختم می‌شود. در فرمان پاپی *Spes Non Confundit* (امید نوید نمی‌کند)، سند اعلام سال مقدس ۲۰۲۵، آیاتی از نامه به عبرانیان آمده است: «ما که در او پناه گرفته‌ایم، تشویق نیرومندی داریم تا محکم به امیدی که در برابر ما نهاده شده چنگ زنیم».





قال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَالْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَأَدَاءِ
الْأَمَانَةِ وَتَرْكِ الْخِيَانَةِ وَلِينِ الْكَلَامِ وَبَذْلِ السَّلَامِ وَحِفْظِ الْجَارِ
وَرَحْمَةِ الْيَتِيمِ وَحُسْنِ الْعَمَلِ وَقَصْرِ الْأَمَلِ.



حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود:

تو را سفارش می کنم به تقوای خدا، راستگویی، وفای به عهد،
امانت داری، ترک خیانت، نرمش در گفتار، بذل سلام، حفظ
همسایه، مهربانی با یتیم، نیکوکاری و کوتاه ساختن آرزو.

حدیث شماره: ۱۱۸ چهل حدیث « گهرهای نبوی » صلوات الله علیه و آلہ



واتیکان در هفته‌ای که گذشت...



RADIO
VATICANA



VATICAN
NEWS

امضای بیانیه صلح بین نمایندگان ادیان

جوامع مسیحی، اسلامی و یهودی در رم

اسرواتوره رومانو

این سخنان بیش از همه در ارتباط با خاورمیانه پژواک می‌یابد؛ جایی که صحنه درگیری‌ها و تنش‌های هرچه تراژیک‌تر است. در متن آمده: «آگاهی از زمانه تاریکی که در آن به سر می‌بریم و از قدرت فریبنده‌ای که حتی بر تراژدی جاری در خاورمیانه می‌وزد، ما را به‌عنوان رهبران جوامع دینی، به‌عنوان مؤمنان و به‌عنوان شهروندان فرا می‌خواند تا از نفوذ خطرناک کلی‌گویی‌ها و خلط‌های زیانبار میان هویت‌های سیاسی، ملی و مذهبی پرده برداریم.»

از همین‌رو، پیشنهاد مشخصی مطرح شده است: دیداری میان اسقف‌ها، خاخام‌ها و امامان در ایتالیا. «دیداری ساده، مستقیم، نه رسمی و نه فرقه‌ای، برای شهادت دادن به مسئولیتی مشترک»، با امید به اینکه جوامع دینی بتوانند فعالیت‌های محلی و ملی را با مشارکت نهادهای عمومی به پیش ببرند.

در بیانیه آمده است: «وظیفه تلاش برای همزیستی مسئولانه، ما رهبران دینی را به ضرورت ترویج انسجام اجتماعی بر پایه ارزش‌های مشترک فرا می‌خواند.» این متن با قدردانی از تجربیات و شهادت‌های شکل‌گرفته در هفته‌های اخیر در شهرهای بولونیا، میلان و تورین به‌عنوان نشانه‌ای از امید در زمانی آلوده به خشونت به پایان می‌رسد.



«این فراخوان از باور به ضرورت فوری حمایت از هر ابتکاری برای دیدار و گفت‌وگو با هدف مهار نفرت، پاسداشت همزیستی، پالایش زبان و بافتن صلح سرچشمه می‌گیرد. مسئولیتی که هم متوجه افراد است و هم نهادهای جمعی!»

بیانیه بین‌الادیانی در رم منتشر شد؛ بیانیه‌ای که توسط نمایندگان جوامع یهودی، مسیحی و مسلمان سراسر ایتالیا ترویج و امضا شده است. این فراخوان را **نوئمی دی سنی** (اتحادیه جوامع یهودی ایتالیا)، **یاسین لافرّم** (اتحادیه جوامع اسلامی ایتالیا)، **ابوبکر مورتا و یحیی پالوئیکینی** (انجمن دینی اسلامی ایتالیا)، **نعیم نصرالله** (رئیس مسجد رم) و **کاردینال ماتئو ماریا زوپی**، رئیس شورای اسقف‌های ایتالیا امضا کرده‌اند. در این بیانیه بر ضرورت «یافتن راه‌حل برای آنچه ایمان‌های ما را تحقیر می‌کند و مقاومت در برابر آن» تأکید شده است.

پیام پاپ به مناسبت وقوع زلزله در افغانستان

وب سایت واتیکان نیوز

این سومین زمین‌لرزه ویرانگر از زمان بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان در سال ۲۰۲۱ است. پس از خروج نیروهای بین‌المللی و قطع کمک‌های دولتی، کمک‌های بشردوستانه از ۳,۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ به ۷۶۷ میلیون دلار در سال جاری کاهش یافته است. سازمان‌های امدادرسانی بین‌المللی از «بحران فراموش‌شده افغانستان» سخن می‌گویند؛ جایی که بیش از نیمی از جمعیت به کمک فوری نیاز دارند. آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که کارکنان سازمان ملل در افغانستان برای ارائه نخستین کمک‌ها در حال فعالیت هستند.

فیلیپو گراندی، کمیسر عالی سازمان ملل برای پناهندگان، در پیامی دیگر ابراز امیدواری کرد که «جامعه اهداکنندگان در حمایت از تلاش‌های امدادی درنگ نکنند».



VATICAN
NEWS



پاپ لئون چهاردهم به مناسبت وقوع زلزله در افغانستان پیامی به نشانه نزدیکی و همبستگی خود با مردم این کشور فرستاد. او در این پیام برای «همه کسانی که گرفتار این فاجعه شده‌اند» دعا کرده، آنان را به «عنایت خدای قادر مطلق» سپرده و «همبستگی صمیمانه» خود را به‌ویژه با خانواده‌های مصیبت دیده، کارکنان امدادی و مسئولان شهری عملیات امداد و نجات ابراز داشته و برای مردم افغانستان در این «لحظه دشوار» خواستار «تسلی و قدرت» شده است.

زمین‌لرزه ای با بزرگی ۶ ریشتر که کانون آن ۲۷ کیلومتری شرق شمال‌شرقی شهر جلال‌آباد بود رخ داد. فاجعه‌ای طبیعی با ابعادی غیرقابل تصور و باری سنگین بر دوش دولت طالبان که پیشاپیش با بحران‌های انسانی متعدد، از جمله مدیریت میلیون‌ها پناهنده اخراج شده از ایران و پاکستان، دست‌وپنجه نرم می‌کند. سخنگوی وزارت بهداشت افغانستان، شرف‌الدین زمان، از جامعه بین‌المللی خواسته است تا برای مقابله با پیامدهای این زلزله کمک کنند.

برگزاری نشست جهانی سند برادری انسانی - ۲۰۲۵

وب سایت واتیکان نیوز

بخش فرهنگی این رویداد، شبی بین‌المللی در میدان سن‌پیتروست که با حضور هنرمندان مشهوری چون آندره‌آ بوچلی، فارل ویلیامز و جان لجند همراه خواهد بود. برنامه‌ای که قرار است ترکیبی از موسیقی، شهادت‌های انسانی، نور و هنر باشد و پیام برادری را به شکلی ملموس به جهان منتقل کند.

از نگاه کاردینال گامبتی و پدر اوگتا، برادری انسانی می‌تواند به‌عنوان چارچوبی نوین برای نظم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهان امروز عمل کند؛ نظامی که بر آزادی، حقیقت، کرامت و عدالت بنا شود. در این میان، نشست ویژه‌ای با عنوان «G۲۰ رسانه‌ای» نیز به بررسی چالش‌های حقیقت و آزادی بیان در عصر اطلاعات اختصاص دارد.

در مجموع، واتیکان با این ابتکار می‌کوشد نشان دهد که برادری، تنها یک آرمان اخلاقی یا مذهبی نیست، بلکه می‌تواند به‌عنوان راهبردی عملی، پاسخگوی بحران‌های جهانی و زمینه‌ساز آینده‌ای پایدار برای نسل‌های جدید باشد.



نشست جهانی سند «برادری انسانی» قرار است روزهای ۱۲ و ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۵ در واتیکان برگزار شود؛ رویدادی که به ابتکار کلیسای سن‌پیترو و با مشارکت نهادهای بین‌المللی شکل می‌گیرد. محور اصلی این گردهمایی، تأکید بر ضرورت بازاندیشی در مفهوم «انسان بودن» در جهانی است که با جنگ‌ها، فقر، تنهایی، بحران‌های زیست‌محیطی و چالش‌های فناوری مواجه است.

در روز نخست، ۱۵ میزگرد تخصصی با حضور صاحب‌نظران حوزه‌های گوناگون از اقتصاد و سیاست تا فرهنگ، رسانه و ورزش تشکیل می‌شود تا راهکارهایی عملی برای تقویت برادری و همبستگی ارائه دهند. روز دوم، نشست اصلی با عنوان «مجمع انسانی» در رم برگزار خواهد شد؛ مجمعی با حضور برندگان جایزه نوبل و شخصیت‌های برجسته جهانی که هدف آن تعریف مشترکی از انسانیت و راه‌های پیونددهنده ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف است.



رئیس نهاد گفتگوهای بین‌الادیانی در نشست رهبران دینی و جهانی در مالزی وب سایت واتیکان نیوز



وی همچنین تأکید کرد: «همه ما ارتباط درونی با یکدیگر داریم، از درون به یکدیگر وابسته ایم و هیچ کشور، هیچ دین و هیچ رهبری نمی‌تواند به تنهایی با چالش‌های فعلی مقابله کند. می‌بایست با دولت‌ها، جامعه مدنی و رسانه‌ها همکاری نمود و به صدای زنان، جوانان و کودکان و دیگر افرادی که معمولاً نسبت به آن بی‌اعتنایی شده است، گوش فرا داده شود».

وی در ادامه بر لزوم "از سرگیری انرژی معنوی جوامع و همچنین راهنمایی قلوب به سوی همدردی و درک" فرا خواند.

عنوان این همایش که در کوآلالمپور پایتخت کشور مالزی برگزار شد، "نقش رهبران دینی در حل درگیری‌ها" می‌باشد که توسط نخست‌وزیر مالزی در همکاری با اتحادیه مسلمانان جهان برگزار شده است.

در سال ۲۰۲۵، رهبران دینی و سیاسی جهان بار دیگر بر ضرورت ایجاد صلح و همبستگی انسانی تأکید کردند. کاردینال جورج جیکوب کوواکاد رئیس نهاد گفتگوهای بین‌الادیانی واتیکان در دومین اجلاس بین‌المللی رهبران مذهبی در مالزی گفت: «دین هرگز نباید به سلاح تبدیل شود؛ بلکه باید عامل پیشگیری از خشونت، حل اختلاف و التیام زخم‌ها باشد.» او افزود: ریشه مناقشات اغلب در فقر، نابرابری و سوءاستفاده سیاسی است و رهبران مذهبی باید الهام‌بخش عدالت، شفقت و همبستگی باشند.

کاردینال جورج یاکوب کوواکاد در سخنرانی خود در مالزی به دنبال دومین نشست بین‌المللی رهبران دینی جهانی گفت: «باید صدایمان را برابر خشونت و تبعیض غیر عادلانه بلند کنیم، شجاعانه با مسائل از اساس یا بنیان بوجود آمدن درگیری‌ها برخورد نموده و برای حفاظت از خانه مشترکمان تلاش نماییم. این وظیفه بزرگی است که رهبران دینی مان در جهان معاصر دارند».

گالاگر: در جهان تکه تکه شده از تنفر و جنگ،

شجاعت در جستجوی صلح است

وب سایت واتیکان نیوز

گالاگر در سخنرانی خود عنوان کرد که چگونه تلاش های سیاسی و اجتماعی می توانند رهبری به نفع صلح به طور شجاعانه، فراگیر و چندجانبه گرا را بازتعریف کند، حتی در دورانی از تفرقه ها.

وی در پاسخ به سئوالات شرکت کنندگان در مورد موضوعات مختلف پاسخ داد و گفت بسیاری از دموکراسی ها امروزه در بحران هستند زیرا قادر نیستند دو عنصر اصلی رفاه و امنیت که مردم خواهان آن هستند، را تضمین کنند.

این اجلاس که اولین بار در سال ۲۰۰۶ آغاز شد فرصتی در جهت دیدار برای بحث در مورد موضوعات و چالش های سیاسی، امنیتی و توسعه اروپا و جهان است که با شرکت کنندگانی از مناطق مختلف برگزار می شود.



گالاگر وزیر امور خارجه واتیکان در جریان سفر سه روزه خود به اسلوونی ضمن شرکت در بیستمین اجلاس استراتژیک که طی روزهای ۱ و ۲ سپتامبر در شهر بلد اسلوونی جریان داشت شرکت کرد و در این اجلاس استراتژیک، در موضوع «احیای رهبری و چند جانبه گرایی در دورانی از درگیری ها و تکه تکه شدن ها»، سخنرانی کرد.

سراسقف گالاگر در سخنانش تاکید کرد که تلاش های انجام شده توسط پاپ لئون چهاردهم برای ترویج صلح در جهان در ادامه مسیر تدوین شده توسط پاپ فرانسیس در جهت تشویق به گفت و گو، همبستگی و برادری است.

83

HEVAR

The Weekly Journal of the Embassy of the
Islamic Republic of Iran to the HolySee

Second Year | Issue 83 | 2025 September 5



ولادت باسعادت امام جعفر صادق
بر تمامی شیعیان جهان تهنیت باد



The Embassy of the Islamic Republic of
Iran to the HolySee



Via Bruxelles, 57, 00198



+39068552494



vat.media@mfa.gov.ir



<https://vatican.mfa.gov.ir/portal>



IRANtotheHolySee@IRANinVATICAN

